

فصل ۹

چرا عیلام اینقدر مهم می‌باشد؟

کاخ یا دار السلطنه شوشن، واقع در نزدیکی اندیمشك، ۱۹ بار در کتاب استر، و نیز در نحما ۱: ۱ و دانیال ۸: ۲ ذکر شده است. شوشن نه فقط پایتخت باستانی امپراطوری عیلام بود، بلکه پس از تصرف بابل به‌دست کورش، پایتخت امپراطوری ماد و پارس نیز گردید. ظاهراً همدان (اکباتان) واقع در غرب ایران، بخاطر هوای خنکش اقامتگاه تابستانی پادشاهان بود، و تخت‌جمشید واقع در شمال شیراز، پایتخت تشریفاتی برای مراسمی نظیر نوروز بود.

الف) پیشینه تاریخی عیلام و شوش

شوشن در حدود ۲۲۰ کیلومتری شمال خلیج فارس، در شرق رود دجله در دشتی واقع شده که ادامه بین‌النهرین جنوبی است. برای این شهر سه نام به‌کار رفته: شوشن در کتاب‌مقدس، سوزا در تاریخ عمومی غربیان، و شوش در ایران امروزی. عیلام منطقه اطراف شوشن بود. حفاریها در شوشن نشان داده که شهر از ۴۰۰۰ سال ق.م. تا ۱۲۰۰ میلادی مسکونی بوده است. آن پایتخت حکومت کوچکی بود متشکل از مردمان کوفشین با پیروزیها و شکستهای متعدد. قدرت عیلامیان توسط حمورابی، پادشاه بابل (۱۷۹۲ تا ۱۷۵۰ ق.م.) در هم شکست. (این همان پادشاهی است که "قانون حمورابی" را تدوین کرد، آن شریعت مشهور را، که بر حسب تصادف در ویرانه‌های شوشن در سال ۱۹۰۲ کشف شد.)

از ۱۶۵۰ تا ۱۱۷۵ ق.م. عیلام و بابل هر دو تحت فرمانروایی "کاسیهای" لرستان قرار گرفت. پس از آن، عیلام برای مدتی تبدیل به حکومتی مستقل گردید. سپس ملت‌های گوناگون، نظیر آشور به‌رهبری سنخاریب و آشوربانیپال، و بابل به‌رهبری نبوکدنصر به عیلام حمله کرده، آن را به‌تصرف در آوردند. پس از آن، عیلام بخشی از امپراطوری ماد و پارس گردید با کاخی اصلی واقع در شوشن. در پایتخت دیگر، یعنی تخت‌جمشید، سنگنبشته‌ای هست در پلکان شمالی کاخ آپادانا، که نشان می‌دهد سربازان مادی و پارسی و عیلامی حافظ تاج و تخت پارس می‌باشند. همچنین، نوشته‌ای به زبان عیلامی در کنار نوشته پارسی دیده می‌شود.

احادیث متعلق به سال ۱۱۷۰ میلادی، حاکی از آن است که آرامگاه دانیال در شوشن واقع بوده است. اما نمی‌دانیم که آیا دانیال واقعاً در شوشن بوده است یا نه، زیرا اشاره‌ای که به حضور دانیال در شوشن شده، به يك رؤیا مربوط می‌شود:

"و در رؤیا نظر کردم و می‌دیدم که من در دارالسلطنه شوشن که در ولایت عیلام می‌باشد بودم و در عالم رؤیا دیدم که نزد نهر اولای می‌باشم" (دانیال ۸: ۲).

احادیث اخیر یهودی ذکر می‌کنند که در قرون اولیه، در مورد قبر دانیال در میان یهودیان شوشن مشاجره‌ای وجود داشته است. یهودیانی که در آنسوی رودخانه زندگی می‌کردند که قبر دانیال واقع بود، ثروتمند بودند، اما آنانی که در سوی دیگر رودخانه زندگی

می‌کردند، فقیر بودند. برای توقف مشاجره، جایگاه تابوت هر سال از يك سوی رودخانه به سوی دیگر جابجا می‌شد. سرانجام یکی از پادشاهان ایران، دستور داد تا تابوت را درست در وسط پلی که بر روی رودخانه قرار داشت، از زنجیر بیاویزند.

شنیده‌ام که امروزه مناطق اطراف شوشن بسان معجزه‌ای زراعی می‌باشد. اگر این مناطق را می‌شد آبیاری کرد، می‌توانست یکی از حاصلخیزترین نقاط جهان گردد. دو نوع نیشکر در طول سال می‌توان در آنجا کاشت. به‌یاد داشته باشید که این منطقه در انتهای هلال حاصلخیز قرار دارد.

ب) تاریخ عیلام در کتاب مقدس

۱- عیلام یکی از پسران سام، پسر نوح بود (پیدایش ۱۰: ۲۲). لذا نوح پدربزرگ عیلام بود.

"پسران سام: عیلام و آشور و ارفکشداد و لود و ارام."

۲- ابراهیم برادرزاده خود لوط را از دست کدُر لَاعُمَر، مَلِكِ عیلام، که او را به اسارت در آورده بود، رهایی داد (پیدایش ۱۴).

۳- پادشاه آشور برخی از مهاجرنشینان عیلامی را در جای یهودیان متعلق به ۱۰ قبیله شمالی که سر به شورش گذارده بودند، اسکان داد و این یهودیان را به اسارت برد.

۴- خدا عیلام را احتمالاً توسط بابلیها به هبری نبوکدنصر، مورد داوری قرار داد (ارمیا ۴۹: ۳۴-۳۷؛ حزقیال ۳۲: ۲۴-۲۵).

۵- مادها به کمک عیلامیان، امپراطوری بابل را در هم شکستند (اشعیا ۲۱: ۲-۱۰). همچنین این را مقایسه کنید با اشعیا ۲۲: ۱-۶.

ج) نبوت در مورد عیلام

۱- در اشعیا ۱۱: ۱۰-۱۶ نبوتی در مورد احیای اسرائیل آمده است. آیه ۱۰ می‌فرماید که ریشه یسی (عیسای مسیحا) همچون علمی برای تمامی قوم‌ها و امت‌ها بر پا خواهد شد و ایشان او را خواهند طلبید. آیه ۱۱ می‌فرماید: "در آن روز، واقع خواهد گشت که خداوند بار دیگر دست خود را دراز کند تا بقیه قوم خویش را که از آشور و مصر و فتروس و حبش و عیلام و شنعار و حمات و از جزیره‌های دریا باقی مانده باشند، باز آورد." سپس در آیه ۱۲، در باره گرد آمدن تبعیدیان اسرائیل سخن به میان آمده است. آن عده از مسیحیان که معتقدند مسیح به‌هنگام بازگشتش به زمین، به‌مدت ۱۰۰۰ سال سلطنت خواهد کرد (سلطنت هزار ساله)، بر این باورند که این بخش به یهودیانی اشاره دارد که در میان ملت‌های مختلف پراکنده‌اند و در چندین دهه اخیر و نیز اکنون به اسرائیل باز می‌گردند. آیا توجه کردید به اینکه یکی از سرز مینهایی که خدا بازماندگان را از آنجا باز خواهد گرداند، عیلام است؟

۲- نبوت دیگری هست در مورد عیلام در ارمیا ۴۹: ۳۵-۳۹. در آیه ۳۵ خداوند می‌فرماید: "اینک من کمان عیلام... را خواهم شکست." عیلامیان به‌عنوان کماندار بسیار

شهرت داشتند (ارمیا ۵۰: ۹ و اشعیا ۲۲: ۶). در ترجمه قدیمی فارسی، آیات ۳۸ و ۳۹ چنین می‌فرمایند: "خداوند می‌گوید در ایام آخر اسیران عیلام را باز خواهم آورد." این مشابه است با ترجمه انگلیسی King James. در ترجمه تفسیری، در آیات ۳۸ و ۳۹ چنین آمده: "ولی در آینده، عیلام را دوباره کامیاب خواهم ساخت." بقیه این بخش در باره مجازات الهی بر عیلام و پراکنده شدن اسیران آن در میان ملت‌های مختلف در اثر خشم خدا سخن می‌گوید. آیا این بخش به وقایع تاریخی گذشته اشاره می‌کند یا به وقایعی که باید در آینده رخ دهد؟

ف) بطور کلی، چنین تفسیر می‌شود که این وقایع قبلاً رخ داده‌اند. (توجه داشته باشید که علاوه بر ۴۹: ۳۹، جمله "کامیاب خواهم ساخت" در ارمیا ۴۸: ۴۷ در مورد موآب و در ۴۹: ۶ در مورد عمونیان به‌کار رفته است.) امپراطوری‌های عیلام و بابل به‌دست ماد و پارسها به‌رهبری کوروش مغلوب شدند؛ کوروش، پادشاه عیلام را بر کنار ساخت و تخت خود را در عیلام برپا داشت (ارمیا ۴۹: ۳۸). بدینسان، عیلام تبدیل به کشوری تابع کوروش گردید و این نشان می‌دهد که این نبوت قبلاً تحقق یافته است. عبارت "در ایام آخر" در ارتباط با کامیابی عیلام به‌کار رفته، نه بازگشت مردم به آن. همانطور که قبلاً ذکر شد، عیلام زمانی منقطه کشاورزی حاصلخیزی بود. امروزه منطقه‌ای است لمیزرع، اما در ایام آخر تبدیل به سرزمینی کامیاب خواهد گشت با یک کشاورزی پررونق. به یاد دارم که وقتی در ایران بودم، در دهه ۱۹۷۰، با یک متخصص کشاورزی صحبت می‌کردم که آن منطقه را مورد بررسی قرار داده بود. می‌گفت که با آبیاری مناسب، این منطقه می‌تواند تبدیل شود به یکی از بزرگترین مراکز تولید محصولات کشاورزی در جهان. این باید در "ایام آخر"، برای کامیابی عیلام اتفاق بیفتد.

ب) تفسیری دیگر بر این تأکید دارد که منظور از "ایام آخر" در این نبوت، زمان‌هایی است که هنوز فرا نرسیده است. بعضی از ایمانداران ایرانی شاهد این بوده‌اند که خدا چگونه در این "ایام آخر" در میان ایرانیان کار کرده است. در سال ۱۹۷۷، فقط حدود ۲۵۰ نفر مسیحی ایرانی از زمینه اسلامی در ایران وجود داشت. در سال ۲۰۰۰ این رقم به‌گونه‌ای چشمگیر به ۲۷,۵۰۰ نفر رسیده بود. برای ایشان، این تحقق نبوت "ایام آخر" است که "اسیران عیلام" را باز می‌آورد. با توجه به اینکه عیلام بخشی از ایران امروز است، برخی از ایرانیان می‌گویند که آیه‌های ۳۵ و ۳۶ به انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۸ اشاره دارد که سبب شد ایران تبدیل به جمهوری اسلامی گردد و از سیاست‌های جدید سیاسی و اقتصادی برخوردار شود. در نتیجه، بسیاری از ایرانیان ترك وطن گفتند و در سراسر جهان پراکنده شدند. در سال ۱۹۹۹، حدود ۵۳,۵۰۰ نفر ایرانی در استرالیا، ۱۱۰,۰۰۰ نفر در آلمان، ۸۰,۰۰۰ نفر در انگلستان، ۱۲۰,۰۰۰ نفر در کانادا، ۱,۳۸۰,۰۰۰ نفر در ایالات متحده، ۲۵۰,۰۰۰ نفر در عراق، ۱۰۰,۰۰۰ نفر در کویت، ۱۴۰,۰۰۰ نفر در پاکستان، ۸۰۰,۰۰۰ نفر در ترکیه، و ۳۵۰,۰۰۰ نفر در ایالات خلیج و برخی دیگر در سایر کشورها بسر می‌برند. یک سازمان مسیحی به‌نام Iranian Christians International با ایمانداران ایرانی در بیش از ۳۰ کشور در تماس است. (برای اطلاعات بیشتر، ر.ش. فصل ۱۸ تحت عنوان "ایرانیها امروز در کجا زندگی می‌کنند".)

"یهوه صباوت چنین می‌گوید: اینک من کمان عیلام و مایه قوت ایشان را خواهم شکست. و چهار باد را از چهار سمت آسمان بر عیلام خواهم وزانید و ایشان را بسوی همه این بادهای پراکنده خواهم ساخت، به‌حدی که هیچ امتی نباشد که پراکنندگان عیلام نزد آنها نیایند. و اهل عیلام را به حضور دشمنان ایشان و به حضور آنانی که قصد جان ایشان دارند، مشوش خواهم ساخت. و خداوند می‌گوید که بر ایشان بلا یعنی حدت خشم خویش را وارد خواهم آورد و شمشیر را در عقب ایشان خواهم فرستاد تا ایشان را بالکل هلاک سازم. و خداوند می‌گوید:

من کرسی خود را در عیلام بر پا خواهم نمود و پادشاه و سروران را از آنجا نابود خواهم ساخت. لیکن خداوند می‌گوید: در ایام آخر اسیران عیلام را باز خواهم آورد" (ارمیا ۴۹: ۳۵-۳۹).

این تفسیر می‌گوید که آیه ۳۸ زمانی جامه عمل پوشید که شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله ایران با سقوط محمد رضا شاه پهلوی در سال ۱۹۷۹ به پایان رسید. ایمانداران ایرانی این امید را دارند که در آینده رژیم کنونی تغییر یافته، داوری خدا بر ایران کاملاً خاتمه بیابد و طبق آیه ۳۹، اسارت عیلام در "ایام آخر" مورد تفقد قرار گیرد. در آن زمان، بسیاری از ایمانداران ایرانی به وطن خود، ایران باز خواهند گشت. چندین مؤسسه مسیحی ایرانی، ارمیا ۴۹: ۳۹ را بر روی سربرگهای خود دارند. برای آنان، این نبوت هنوز جامه عمل نپوشیده است. در نظر آنان، تثنیه ۳۰: ۱-۱۰ نه فقط در باره بازگشت یهودیان به اسرائیل است، بلکه به بازگشت ایرانیان به مملکت خود نیز اشاره دارد.

ج) برخی دیگر از ایرانیان به هر دو این تفسیرها قائلند. بله، عیلام مجازات شد و سلطنتی جدید توسط کورش بر جای آن استقرار یافت. اما اینان معتقدند که این بخش دارای تحقیقی دوگانه است. آن هم به تاریخ گذشته اشاره دارد و هم به کار خدا در میان ایرانیان در آینده. ایشان عقیده خود را استوار می‌سازند بر سایر بخشهای کتاب مقدس که در آنها نبوتی در مورد اسرائیل برای "روزهای آخر"، هم قبلاً تحقق یافته است، و هم دارای تحقیقی در آینده می‌باشد.

د) کاوشی عمقتر

- ۱- چرا نبوت ارمیا ۴۹: ۳۵-۳۹ در مورد عیلام به‌ندرت در کتاب‌های تفسیر انگلیسی و سایر زبانهای اروپایی تحت عنوان نبوتی برای روزهای آخر و بازگشت خداوند ما عیسی مسیح مورد اشاره قرار گرفته است؟
- ۲- شما شخصاً در مورد بازگشت عیسی مسیح چه فکر می‌کنید؟ آیا برای بازگشت نجات‌دهنده ما عیسی مسیح آمادگی دارید؟